

روش پژوهش در نهج البلاغه

مصطفی دلشاد تهرانی

نهج البلاغه را می‌توان با توجه به ساختار و محتوای آن، به سه روش مطالعه کرد و درباره آن، تحقیق و پژوهش نمود؛ این روشها عبارت اند از: روش ترتیبی، روش تجزیه‌ای و روش موضوعی، که به اختصار بدین روشها پرداخته می‌شود.

۱. روش ترتیبی

مراد از مطالعه و تحقیق ترتیبی نهج البلاغه این است که کتاب از آغاز تا پایان به ترتیب از خطبه ۱ تا ۲۴۱، نامه ۱ تا ۷۹، حکمت ۱ تا ۴۸۰+۹ مطالعه و بررسی شود. برای ورود به هر متنی از نهج البلاغه آگاهی مقدماتی، شرط ورود علمی به آن متن است. مهم‌ترین آگاهیهای لازم برای رویکرد درست به هر متن نهج البلاغه عبارت‌اند از:

۱. منابع و اسناد

۲. جغرافیای سخن

۳. سبب صدور

۴. تاریخ

۵. مخاطب

۶. موضوعات

۷. اهداف

در پرتو آگاهی از موارد فوق، می‌توان به تصویری روشن‌تر، از اموری که در پی می‌آید، دست یافت: سابقه متن، اختلافها، کاستیها و افزونیهای متن؛ فضای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی پیدایش متن؛ سبب صدور یا ورود آن؛ زمانی که آن کلام ایراد یا انشا شده است؛ مخاطب کلام و ویژگیهای او و تناسب کلام با مخاطب؛ موضوعاتی که کلام دربرگیرنده آن است؛ و اهدافی که کلام در مقام بیان آن است.

این آگاهی‌ها، زمینه رویکرد و فهم درست تری از متن را فراهم می‌سازد. البته درباره هر متن از نهج البلاغه (خطبه و کلام، نامه، وصیت نامه و عهدنامه، حکمت و گفتار کوتاه) ممکن است آگاهی لازم در تمام مواردی که در بالا یاد کرده شد، به دست نیاید.

درست تر آن است که در بررسی هر متنی از نهج البلاغه، گذشته از توجه به آگاهیهای ورود به متن، قواعد فهم متن نیز رعایت شود؛ یعنی:

۱. فهم درست واژه‌ها و مفردات

۲. فهم درست ترکیبات

۳. فهم درست اعراب

۴. توجه به بلاغت کلام

۵. توجه به قرینه‌های متصل و منفصل

۶. تشکیل خانواده حدیث

۷. توجه به سیره امام علی (ع)

۸. استفاده از علوم پیرامونی

نکته مهم درباره مطالعه و تحقیق نهج البلاغه آن است که هر متن، گذشته از آنکه در برگیرنده مباحث گوناگون معرفتی است، خود، جنبه‌های مختلفی دارد و می‌توان هر قطعه را از زوایای گوناگون دید و مطالعه و بررسی کرد؛ از جمله جنبه‌های تاریخی، اجتماعی و سیاسی، حقوقی، اعتقادی، تربیتی، اخلاقی، حکومتی و مدیریتی و ...

اغلب شارحان نهج البلاغه، این اثر را به روش ترتیبی شرح و تفسیر کرده‌اند؛ شارحانی چون: ظهیرالدین بیهقی معروف به فرید خراسان، در گذشته به سال ۵۶۵ هجری، در معارج نهج البلاغه؛ قطب‌الدین راوندی، در گذشته به سال ۵۷۳ هجری، در منهاج البراءة فی شرح نهج البلاغه؛ قطب‌الدین کیزری، از عالمان قرن ششم هجری، در حقائق الحقائق فی شرح نهج البلاغه؛ ابن ابی الحدید معتزلی، در گذشته به سال ۶۵۶ هجری، در شرح خود؛ ابن میثم بحرانی، در گذشته به سال ۶۷۹ هجری، در شرح خود؛ میرزا حبیب الله خویی، در گذشته به سال ۱۳۲۴ هجری قمری، در منهاج البراءة فی شرح نهج البلاغه؛ محمدجواد مغنیه، در گذشته به سال ۱۴۰۱ هجری قمری، در فی ظلال نهج البلاغه.

این شارحان گران قدر به شرح و تفسیر وجوهی از این مجموعه بی‌بدیل پرداخته‌اند و هر یک با توجه به بینش، گرایش و قوت‌های علمی خود، برخی از وجوه را نسبت به وجه‌ها و جنبه‌های دیگر، گسترده‌تر مطرح نموده‌اند. برخی از آنان بیشتر به جنبه‌های لغوی، ادبی و بلاغی توجه کرده‌اند، برخی به جنبه‌های اخلاقی، کلامی و فلسفی بیشتر عنایت کرده، و برخی دیگر به جنبه‌های تاریخی، سیاسی و حکومتی پرداخته‌اند.

سخنان علی (ع) وجوه گوناگون و جلوه‌ها و جاذبه‌های بسیار دارد و طبیعی است که هر کس با توجه به مرتبه وجودی خود و بینش و گرایش و جایگاه علمی خویش، وجوهی را ببیند و برجسته نماید و بررسی کند و به شرح آن بپردازد، البته روش ترتیبی، روشی زمان‌بر و طولانی است، اما برای اشراف بر همه بحث‌ها و موضوعهای نهج البلاغه بسیار مفید است.

۲. روش تجزیه‌ای

روش تجزیه‌ای بدین معناست که بخشی از نهج‌البلاغه، یا برخی از خطبه‌ها، نامه‌ها و یا حکمت‌ها، به تناسب نیاز و با توجه به محتوای آنها، بررسی و شرح می‌شود. در این روش نیز نکته‌های مطرح شده در آداب رویکرد به متن و قواعد فهم آن، لازم است که رعایت شود. البته این روش، روشی بخشی‌نگر و جزئی‌نگر است، و طبیعی است که بخش یا جزء انتخاب شده را می‌توان از وجوه گوناگون و یا جهت‌های مختلف بررسی کرد و مورد تأمل و دقت قرار داد و درس آموخت. مزیت عمده این روش، آن است که می‌توان خطبه، نامه، حکمت، یا بخش بخش مورد نیاز را مطالعه نمود و در آن، غور کرد و زمانی طولانی برای مرور کامل نهج‌البلاغه نیاز نیست.

این روش، پیوسته مورد توجه اندیشمندان و هدایت جویان بوده است؛ چنان که بسیاری از شارحان و پژوهشگران، به شرح عهدنامه مالک اشتر، نامه امام علی (ع) به فرزندش حسن (ع)، خطبه همّام، خطبه قاصعه، خطبه شقشقیه، حکمت امام (ع) خطاب به کمیل بن زیاد و جز اینها پرداخته‌اند.

۳. روش موضوعی

در این روش، موضوعی مشخص، بدون ابهام، محدود، سؤال‌برانگیز و قابل تحقیق در نهج‌البلاغه، انتخاب می‌شود و بر نهج‌البلاغه عرضه می‌گردد؛ بدین نحو که کلیه مطالبی که مستقیم و غیر مستقیم، موضوع مورد نظر را تبیین می‌کند، استخراج می‌شود و پس از بررسی، دسته‌بندی می‌گردد و سپس جمع‌بندی آن مطلب ارائه می‌شود.

براساس این روش، می‌توان موضوعهای گوناگونی را در ذیل بحثهای اعتقادی، اخلاقی، تربیتی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، حکومتی، مدیریتی، تاریخی و جز اینها مطالعه و تحقیق کرد.

از مزیت‌های این روش، آن است که بحث کمتر دچار پراکندگی می‌شود و می‌توان براساس مجموعه نگری به یک موضوع و توجه به جوانب و شاخه‌های مختلف آن، تبیینی کامل نسبت به آن حاصل کرد.

در این روش، آموزه‌های امام علی (ع) که در مواضع و مواقع گوناگون بیان شده است، یکدیگر را معنا می‌کند و جهت صحیح را در برداشت از نهج‌البلاغه نشان می‌دهد. به علاوه، با توجه به محدودیت‌های زمانی و موضوعی روشهای تربیتی و تجزیه‌ای، روش موضوعی از جنبه‌های مختلف کارا و مفید است.

همچنین امتیاز دیگر آن، این است که با رعایت مقدمات و آداب و قواعد فهم متن، احتمال برداشتهای نادرست بسیار کم می‌شود.

در اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان
البته باید در نظر داشت که روش موضوعی، بی‌نیاز از دو روش دیگر نیست و آن روشها به عنوان ابزارهایی اساسی، این روش را یاری می‌دهند.

برای انجام دادن یک تحقیق موضوعی در نهج البلاغه، می‌توان موارد زیر را مدّ نظر داشت و براساس آن، گام به گام عمل کرد:

۱. انتخاب موضوع

۲. طرح مسئله

۳. تعیین واژه‌های کلیدی

۴. مآخذشناسی موضوع

۵. استخراج مطالب از نهج البلاغه

۶. عنوان دادن به مطالب

۷. دسته‌بندی مطالب

۸. بررسی و تطبیق مطالب

۹. شرح و تحلیل مطالب

۱۰. ارزیابی و استنتاج

۱۱. تنظیم مطالب

۱۲. نگارش مطالب

بر این سیاق، آثار متعدّدی وجود دارد و تلاشهایی مفید انجام شده است و تألیفاتی درباره موضوعهای اعتقادی، اخلاقی، تربیتی، اجتماعی و سیاسی، اقتصادی، حکومتی، مدیریتی، تاریخی و جز اینها در نهج البلاغه صورت گرفته است.

همچنین دو شرح موضوعی بر تمام نهج البلاغه نوشته شده است؛ نخست منهاج الولاية فی شرح نهج البلاغه، از ملّا عبدالباقی صوفی تبریزی، در گذشته به سال ۱۰۳۹ هجری، در دو مجلد که با سبکی فلسفی عرفانی، نهج البلاغه را در دوازده موضوع مهمّ به گزینش خود با نثر فارسی آمیخته به عربی شرح کرده است. دوم بهج الصباغه فی شرح نهج البلاغه، از محمّد تقی شوشتری، در گذشته به سال ۱۳۷۴ هجری شمسی؛ در این شرح، شارح با نگرش خود، تمام بحثهای نهج البلاغه را در شصت موضوع سازمان داده و در زیر هر یک از موضوعها، مطالب مورد نظر را شرح داده است.